روزنامه صبا
رسانه فرهنگ و هنر
www.sabanewspaper.ir
sabanewspaper_ir

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی
صفحه‌آرا: مهدی صالحی طاهری

تهران / میدان دربند / خیابان دربند / کوچه تویسرکانی / پلاک ۶۱
تلفن: ۲-۲۲۷۲۴۱۱۱
چاپ: شهر چاپ خراسان / توزیع: نشر گستر امروز



گفت‌وگوی روزنامه صبا با ذبیح‌الله رحمانی، نویسنده و منتقد سینمایی

سینمای ایران را نباید در موزه نقدها زندانی کرد

سمیرا جعفری
گفت‌وگو

۲۴ نویسنده و منتقد از نسل سوم و چهارم نقد سینمایی در مجموعه‌ای شش‌جلدی به سراغ فیلم‌هایی رفته‌اند که پیش‌تر بارها از منظر نسل‌های مختلف تحلیل شده‌اند. این مجموعه می‌کوشد با تکیه بر نگاه منتقدان امروز، خوانش‌هایی تازه از فیلم‌های ماندگار سینمای ایران ارائه دهد و امکان کشف دوباره این آثار را برای مخاطبان نسل جدید فراهم کند. این مجموعه به کوشش ذبیح‌الله رحمانی، از سوی نشر عینک منتشر شده و فیلم‌های «دایره مینا» ساخته داریوش مهرجویی، «آرامش در حضور دیگران» ساخته ناصر تقوایی، «سوته‌دلان» ساخته علی حاتمی، «رگبار» ساخته بهرام بیضایی، «کندو» ساخته فریدون گله و «تنگنا» ساخته امیر نادری را در کانون توجه قرار داده است. اما بازخوانی فیلم‌هایی که جایگاهشان در تاریخ سینمای ایران تثبیت شده، این پرسش را پیش می‌کشد که آیا هر نسل با تغییر تجربه زیسته، دغدغه‌ها و زبان خود، نیازمند کشف دوباره آنهاست؟ ذبیح‌الله رحمانی، گردآورنده این مجموعه که سابقه فیلمسازی، تهیه‌کنندگی، داستان‌نویسی و نقد سینمایی دارد، این رویکرد را نه رقابت با خوانش‌های پیشین، بلکه تداوم گفت‌وگو با تاریخ سینمای ایران و زنده نگه‌داشتن آثار شاخص آن می‌داند. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار روزنامه صبا با وی را می‌خوانید.

○شما در گردآوری و انتشار این مجموعه کتاب‌ها سراغ فیلم‌هایی رفته‌اید که جایگاهشان در تاریخ سینمای ایران تثبیت شده است از نگاه شما بازخوانی دوباره آنها قرار است چه چیزی به داوری تاریخی ما اضافه کند؟

نسل اول و دوم منتقدان درباره این آثار قلم زده‌اند، اما با اطلاعاتی که به دست آورده‌ام، متوجه شدم نسل جدید منتقدان، به‌ویژه نسل سوم و چهارم، کمتر به این فیلم‌ها پرداخته‌اند. شاید تصورشان این بوده که چون دیگران درباره این آثار نوشته‌اند، ضرورتی برای تکرار وجود ندارد. من تلاش کردم خوانش جدیدی از این فیلم‌ها شکل بگیرد. نقدهای قدیمی فرم کلاسیک خودشان را داشتند و شاید آن فرم متناسب با نیاز زمانه بود، اما نقدهای جدید علاوه بر زیبایی‌شناسی، جنبه‌های جامعه‌شناختی، زیست‌محیطی و اجتماعی آثار را هم بررسی می‌کنند. بنابراین منتقد امروز می‌تواند با خوانش تازه خود، این آثار را به نسل جدید نزدیک‌تر کند و زمینه تماشای دوباره آنها را فراهم سازد.

○ چرا برای این بازخوانی سراغ منتقدانی رفتید که از دهه چهل و زیست آن دوره فاصله دارند؟ آیا نگاه آن‌ها الزاماً چیزی متفاوت از نقدهای پیشین به فیلم اضافه می‌کند؟

قلم این منتقدان نوگراست و شهامت بیشتری دارند؛ تعارف نمی‌کنند. همین ویژگی برای من جذاب بود. تلاش کردم از میان منتقدانی که نگاه و قلم متفاوتی دارند، انتخاب کنم. البته فقط بحث دهه ۵۰ نیست؛ هدفم این است که فیلم‌های خوب سینمای ایران در دوره‌های مختلف را در قالب یک مجموعه کامل گردآوری کنیم. بعضی از منتقدان فیلمی را انتخاب کردند، اما گفتند نمی‌توانند نگاه جدیدی به آن اضافه کنند و از نوشتن درباره‌اش صرف‌نظر کردند. اختیار انتخاب و زاویه نگاه را به خودشان دادم تا اگر دریافت تازه‌ای از فیلم دارند، آن را بنویسند.

○معیار انتخاب فیلم‌ها چه بود؟ علاقه شخصی شما تا چه اندازه در این انتخاب دخالت داشت؟

به نظرم سینمای امروز روی شانه‌های نسل قدیمی ایستاده است. اگر سینمای ما به رشد و شکوفایی رسیده، قطعاً پایه‌گذاران آن سینماگران نسل قدیم بوده‌اند؛ به‌خصوص فیلمسازانی که حدود ۵۰ سال پیش گام بلندی برداشتند. در آن دوران فیلم‌هایی ساخته می‌شد که شاید برای جامعه آن زمان تعریف خاصی داشت، اما در میان همان آثار، فیلمسازانی بودند که آینده‌نگر بودند و فضای سنتی و کمتر توسعه‌یافته جامعه را نمی‌پذیرفتند. آن‌ها نگاه عمیق‌تری به جامعه و فرهنگ داشتند و به دنبال ایجاد تغییر بودند.

این فیلم‌ها جریان‌ساز شدند و مسیر سینما را به دهه‌های بعد رساندند. بخشی از این آثار، با وجود محدودیت‌ها و سانسور، توانستند مخاطب را با دنیای تازه‌ای آشنا کنند. برای من این تأثیرگذاری اهمیت داشت. البته علاقه شخصی هم در انتخاب فیلم دخیل بود، اما سعی کردم بهترین آثار را انتخاب کنم؛ فیلم‌هایی که از نظر تکنیک و محتوا ضعف کمتری داشته باشند. سینمای گذشته بخشی از تاریخ ماست و باید با احترام به فیلمسازانی که برای آینده این سینما تلاش کردند، بازشناسی شود.

○نهادهای سینمایی و دانشگاهی تا چه اندازه مسئولیت حفظ حافظه انتقادی سینما را جدی گرفته‌اند؟

مشکل بزرگی که در سینما داریم این است که کارمند و هنرمند با هم قاطی شده‌اند. در بخش‌های دولتی، گاهی ضرورتی برای زحمت کشیدن و ثبت آثار احساس نمی‌شود؛ فرد پشت میز کارش می‌نشیند و کار اداری را انجام می‌دهد. اما کسانی مثل من دغدغه دارند که آثار ثبت شوند، برای تاریخ باقی بمانند و فراموش نشوند؛ حتی اگر از نظر مالی هم منفعتی نداشته باشد. خوشبختانه من با ناشری همکاری می‌کنم که نگاه ویژه‌ای به سینما دارد و قصد داریم که مجموعه‌ای ۸۰ عنوانی را به نتیجه برسانیم. در مجموعه جدیدی هم که در تدارک آن هستم، هفت عنوان درباره فیلم‌های دهه ۶۰ در نظر گرفته‌ایم. پروژه ۸۰ عنوان برای من اهمیت بسیار دارد و هدفم این است که این مجموعه، تصویری جامع از فیلم‌های مهم و جریان‌ساز سینمای ایران ارائه دهد.

○ از بازخورد مخاطبان به این کتاب‌ها چه دریافت کرده‌اید؟ این بازخوانی‌ها توانسته مخاطب را دوباره به فیلم‌های قدیمی برگرداند؟

بازخوردها برایم جالب بود. بعضی از کسانی که کتاب‌ها را خوانده بودند، با من تماس گرفتند و گفتند فیلم‌ها را با این نگاه ندیده بودند. حتی کسانی که منتقد نبودند، ترغیب شدند دوباره فیلم را ببینند. این برای من اتفاق مهمی است. وقتی منتقد از منظر تاریخی، اجتماعی، روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی به یک فیلم نگاه می‌کند، مخاطب امروز هم می‌تواند با آن ارتباط تازه‌ای برقرار کند. همچنین سعی کردیم موضوعات متنوعی داشته باشیم و یک فیلم را از چند منظر بررسی کنیم. حتی اگر دو نقد در بعضی بخش‌ها همپوشانی داشته باشند، تفاوت قلم و نگاه می‌تواند جذاب باشد. مخاطب امروز هم شرایط مطالعه متفاوتی دارد و کتاب‌های حجیم را کمتر می‌پذیرد. به همین دلیل تلاش کردیم کتاب‌ها کم‌حجم‌تر باشند؛ هر کتاب حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ صفحه است تا خواندنش برای علاقه‌مندان سینما دشوار نباشد.

○ فکر می‌کنید سینمای امروز ایران هم در آینده به چنین بازخوانی‌هایی نیاز خواهد داشت؟ هنوز می‌توان به ماندگاری فیلم‌های جدید امیدوار بود؟

قطعاً. سینمای ما همچنان تأثیرگذار است و فیلمسازان ما با امکانات محدود هم آثار قابل احترامی خلق می‌کنند. فیلم‌های ما با گذشت زمان لزوماً کهنه نمی‌شوند. من امیدوارم این مجموعه به یک پکیج کامل تبدیل شود؛ مجموعه‌ای که مخاطب و پژوهشگر بتواند هر چند وقت یک‌بار به آن رجوع کند و فیلم‌های سینمای ایران را از زاویه‌های مختلف بشناسد. آرزو دارم وقتی پروژه ۸۰ عنوان به ثمر رسید، کمتر کسی بگوید جای فلان فیلم در این مجموعه خالی است. این کتاب‌ها باید در کنار آثار کلاسیک ادبی در کتابخانه‌ها باشند؛ چون فیلم‌ها بخشی از حافظه فرهنگی ما هستند و ثبت نقدها، راهی برای زنده نگه داشتن آن حافظه است.

